

آمانی نادر نادر و بسیار عزیز

با سلام گرم و سپاس پر مهر از این که "رفیق و زمان" را الطفاً برام در شماره ۱۱۹  
 به محض دریافت، یک نفس خواندمش و به روال معمولی یادداشت برداشتم  
 تا ضایقه خوانده ام، برایت بسیار خدوم را بنویسم، اما همان زمان بود که  
 در این خانم بلیمه عطار از امریکا آمدند و سرگرمیهای را با هم خواندم و با خوانم  
 البته به زودی کتاب بسیار ارزنده مالی را اصدان که باید از تو خوانم خواند  
 و در نامه بعدی آنچه به نظر می رسید خوانم نوشت  
 و استند دفتر کوهی از گفته ام تازه ام ترنم پرور را بر وسط خانم  
 عطار ما در چشم و یاد آور می نمودم که نظر اصلی من از چاپ این دور که امروز  
 حاضر شده است من در این مورد که در حال است که ارسال برام بزرگداشت  
 و برپائی مجسمه بزرگ بر گزار شد (همچون آبی شماره شده کا اصدان به نظر می آید)  
 به هر حال خوانم حکایت نظر خود مان را در باره این دفتر برام بنویسد  
 و ممنونم گشت  
 شنیده ام که به لندن خواهد آمد. از دیدار مان ساد خوانم  
 دوست  
 ۱۱۹